

همدلی و همزبانی " حزب کمونیست کارگری " با بوش ،
بلر ،المرت و رسانه های امپریالیستی-صهیونیستی

بار دیگر " لیدر " جریان بی هویت و ناسالم حککا حمید تقوایی ،مامور گردید با زبان سیاسی-تاریخی امپریالیستها دفاع از حثیت(نداشته) صهیونیستهای اسرائیلی را که در اثر گسترش اعتراضات بر حق مردم جهان بی آبروتر گشته ، بر عهده گیرد و علت اصلی " جنون و جنایت " بر جای مانده ناشی از تجاوز آشکار صهیونیستهای اسرائیلی را بر گردن " اسلام سیاسی " بیاندازد .

ایشان در مقاله اخیرش " جنگ لبنان و ابعاد تازه بحران خاورمیانه " با بیان نظرات ژورنالیستی و سرا پا تناقض اش نتیجه می گیرد که علت اصلی این همه جنایات در لبنان و فلسطین (که آنرا رکورد تازه ای از جنون و جنایت می داند) ، نه ناشی از ماهیت نژاد پرستانه- تجاوزگرانه- فاشیستی مذهبی دولت صهیونیستی اسرائیل که بمثابة بازوی نظامی امپریالیسم آمریکا و ژاندارم منطقه جهت حفظ و حراست و گسترش منافع انحصارات جهانخوار آمریکائی- صهیونیستی عمل می نماید ، بلکه آنرا " دفاع مشروع " دولت صهیونیستی اسرائیل از موجودیت خود ، قلمداد می کند . اگر باور ندارید به گفته های ریاکارانه و ژورنالیستی این " لیدر " پر ستاره در همین مقاله در بخش " نظم نوین جهانی و استراتژی خیر در برابر شر " نظری افکنیم و آنرا با بیانات دیگرش پیرامون علت اصلی جنگ خاورمیانه مقایسه کنیم تا بعمق دفاع جانانش از صهیونیستهای آمریکائی- اسرائیلی پی ببریم .
حمید تقوایی چنین می گوید :

نظم نوین جهانی و استراتژی خیر در برابر شر

" استراتژی میلیتاریستی آمریکا در یک سطح پایه ای در دهه هشتاد بوسیله نئوکنسرواتوهای اروپائی و آمریکائی طراحی شد . دولت ریگان با اعلام شوروی آن زمان بعنوان امپراتوری شر(باید توجه داشت این موضع دولت آمریکا علیه شوروی از زاویه ضد کمونیستی بوده که از آغاز انقلاب اکتبر با لشکر کشی و همکاری با جنایتکارترین عناصر ضد کمونیستی بکار گرفته شد) ، اولین گام را در این جهت برداشت و این موضعگیری در واقع راه دیگری را در برابر سیاست خارجه آمریکا قرار داد (گویا قبل از آن به چنین راهی نمی رفت و بدین ترتیب حککا بر دریایی از تجاوزگری و جنایتکاری انحصارات آمریکائی قبل از دهه هشتاد صحه می گذارد) ؛ را بحران و تخاصم و میلیتاریسم . این تنوری آمریکا را منبع خیر و انسانیت در برابر یک دشمن جهانی تعریف می کرد(همانگونه که رهبر گمراه شما منصور حکمت؛ بر " دمکرات ، مترقی ، متمدن ، حافظ شالوده جامعه مدنی " این هیولای جهانخوار تکیه داشت) . امروز همان عده ای که در هیات حاکمه ریگان این سیاست را بجلو راندند ، دونالد رامسفلد و پل ولفوویتز و دیک چینی (بوش را عمداً از قلم انداخته است) و غیره از موضع قدرتمندتری در هیات حاکمه آمریکا مصدر کارند و همان تز جنگ دو بلوک خیر و شر را این بار در مقابل اسلام سیاسی ، که مخلوق خود آنها در دوره قبلی است ، به پیش می برند . بعداز فروپاشی شوروی این ها باید دشمن جدیدی می تراشیدند و بوجود آوردند . و این تبدیل به محور شر جدید در دنیای بعداز جنگ سرد شد .

طالبان در افغانستان ، جمهوری اسلامی و نیروهای اسلامی در جمهوری های آسیائی بجا مانده از شوروی و امروز نیروهای اسلامی در عراق اینها همه اجزای این دشمن جهانی هستند ، ایران و سوریه رسماً بعنوان نیروهای محور شر تعریف شدند و جنگ صلیبی آمریکا با این دشمن امروز بر همه چیز سایه انداخته است (لذا ما حککا ماموریم بر اساس سیاست امپریالیسم آمریکا- اسرائیل جهت منافعشان ، سیاست های " حزب " مان را با تنوری های من درآوردی " سناریوی سفید و سیاه " و یا " دوقطب تروریسم جهانی " تدوین و تنظیم گردانیم) . آمریکا به این دشمن نیازمند است (و حککا در واقع منافع این دشمن مورد نیاز آمریکا را با تنوریهای " سناریوی سفید و سیاه " و " دوقطب تروریستی " توجیه می کند) . سیاست استراتژیک آمریکا در دوره نظم نوین جهانی کسب و اعمال سلطه در جهان است (بدون اینکه توضیح داده شود این استراتژی ضد انسانی است) و برای تحقق این هدف باید یک دشمن جهانی وجود

داشته باشد (تا ما حککا قادر شویم چهره خونبار تجاوزگری و جنایتکاری انحصارات امپریالیستی آمریکایی-اسرائیلی را آرایش کنیم). دشمنی که آمریکا و در درجه بعدی متحدین غربی اش بتوانند در جنگ با او دست و پای نظامی خود را باز کنند و سلطه و کل هژمونی سیاسی خودشان را بر دنیا برقرار کنند. این دشمن ابتدا شوروی بود و امروزه تا اطلاع ثانوی، تروریسم اسلامی تعریف شده است (ما حککا موظفیم بر اساس این دشمن ساختگی انحصارات آمریکایی قلم فرسایی کنیم و منافع آنان را با کتمان حقایق تاریخی حامی باشیم- چرا که ماموریم و معزور- چرا که در قبال دریافت کمکهای مالی خدماتی تعهده سپرده ایم، چنین کنیم. در غیر این صورت قرار و مدار تاریخی 1028 حککا با دولت های آمریکا و اسرائیل بر ملا خواهد شد). این دشمن در منطقه خاورمیانه حماس و حزب الله و جمهوری اسلامی و سوریه را شامل میشود و اکنون اسرائیل هم به این استراتژی مبارزه با محور شر می پیوندد (بر این اساس است که ما حککا می باید تجاوزات و جنایتکاری اخیر دولت صهیونیستی اسرائیل علیه خلق فلسطین و لبنان را بگردن "اسلام سیاسی" که خواهان نابودی اوست بیاندازیم. و زیر جلگی جنایاتی را که "رکور تازه ی از جنون و جنایت قرن می باشد"، بحساب "دفاع از موجودیت" اسرائیل در اذهان قلمداد کنیم. حقا که دست پروردگان نمک پرورده ای هستید).

یکی از نتایج این سیاست نئو کنسرواتیستها این است که نیروهای طرف مقابل تقویت میشوند و گسترش می یابند همانطور که در عراق شد و امروز دارد در لبنان اتفاق می افتد. ولی این مساله ای نیست که هیات حاکمه آمریکا و یا طراحان این سیاست را از کارشان پیشمان کند. بلکه بر عکس می تواند یکی از علانم موفقیت این سیاست باشد (بخاطر همین است که حککا خواهان خروج بی قید و شرط آمریکا از افغانستان و عراق نمی باشد چرا که خواهان تقویت و گسترش "اسلام سیاسی" در جهان است تا بر پایه این دشمن فرضی بتواند در جهت منافع امپریالیستهای آمریکایی-اسرائیلی قلم فرسائی کند- تا حقوق سالانش برقرار باشد). با همین خط استراتژیک است که فعلا دو دوره نئوکنسرواتیوها در آمریکا در مسند قدرتند (و حقوق چرب و پر ملاتی بما حککا پرداخت می گردد). به هر کشوری خواسته اند حمله کرده اند،

سازمان ملل (که ما حککا با آگاهی کامل از آن خواستار طرد رژیم ایران شدیم) را بازیچه دست خودشان کرده اند، اروپا را پشت سر خود به خط کرده اند و مخالفین خودشان را در این هیاهوی مبارزه با تروریسم اسلامی خفه کرده اند و یا به تمکین واداشته اند (شرافتاً می توان بر گفته های این حضرات حتی ذره ای باور داشت و آنرا جدی گرفت. جریانی که با کشف تنوری های "سناریوی سفید و سیاه" و "دوقطب تروریسم بین المللی" که از قضا یکی از قطب های تروریسم آنرا "اسلام سیاسی" تشکیل می دهد- جریانی که مبارزه با "اسلام سیاسی" رکن اصلی سیاست عملی روزانه اش می باشد- جریانی که طبق گفته خودش بدون مبارزه با "اسلام سیاسی" دست ساز امپریالیسم آمریکا، قادر نخواهد بود یک خط در مورد رخدادهای جهان کنونی قلمش را بحرکت درآورد، آری چنین جریانی هرگز نه در گفتارهایش صداقت یافت می شود و نه در عملکردش).

امروز ظاهراً نوبت این رسیده که مساله مردم فلسطین هم در این هیاهو پایمال شود و تحریف و لوٹ بشود و تبدیل بشود به جنگ بین دو کمپ شر و خیر در خاورمیانه (تا ما حککا بتوانیم با تنوری جنگ بین "دو قطب تروریسم" آنرا برای فریب اذهان عمومی ترجمه کنیم). به این دلایل اسلام سیاسی،

بعنوان دشمن و بعنوان هدفی که باید با حمله به او تمام منطقه را تحت کنترل گرفت مورد نیاز آمریکا و اسرائیل است (خطی که دقیقاً اساس سیاست حککا بر آن بنا گردیده است و به گفته خودشان که "اسلام سیاسی" را دست پخت آمریکا می دانند بدیهی است بدون این اسلام سیاسی، چون ماهی بدون آب میماند). کنترل خاورمیانه به بهانه مبارزه با اسلام سیاسی، این هدف اسرائیل و آمریکا در جنگ جاری لبنان است (آیا نظر شما حککا هم چنین نیست؟! دروغگوهای کم حافظه! اگر اسلام سیاسی بهانه ای جهت کنترل خاور میانه از هدف های جنگ جاری علیه مردم فلسطین و لبنان است پس چرا حککا این "بهانه" را پیراهن عثمان کرده و اساس سیاست خویش را هم در افغانستان، هم در عراق و هم در فلسطین و لبنان بر آن پایه استوار نموده است).

(پایان نقل قول- تمامی تاکیدات و توضیحات داخل پرانتز از بهمن ادیب می باشد)

اشتباه نکنید! این ارزیابی "لیدر" حککا از سیاستهای امپریالیسم آمریکا-اسرائیل در جهان و خاورمیانه، نه از زاویه مخالفت با آن، بلکه بر عکس دقیقاً در راستای اعتقاد کامل بدان صورت گرفته است. باور ندارید حال به نقل قول دیگری از همین مقاله گوش فرا می دهیم.

حمید تقوائی چنین می گوید :

مطلوبیت جنگ برای اسلام سیاسی

"آیا این جنگ به حزب الله و کلاً اسلام سیاسی تحمیل شد؟ آیا حزب الله قربانی این جنگ است؟

در جنگهای قبلی خاورمیانه چنین سنوالاتی در مورد طرف مقابل اسرائیل ، الفتح و یا انتفاضه و غیره می توانست پاسخ مثبت داشته باشد و اغلب نیز چنین بود (دروغ بی شرمانه ای بیش نیست . در همان زمان هم حککا دولت تجاوزگر- نژاد پرست- فاشیستی مذهبی اسرائیل را " دمکرات ، مترقی ، متمدن " و سیاستهای تجاوزگرانه در تصرف اراضی مردم فلسطین تحت عنوان " کیبوتس های اشتراکی " ، را نمونه هائی سوسیالیستی می دانست و وعده اجرای آنرا در ایران سوسیالیستی داده بود . یعنی بر تمامی سیاستهای تجاوزگرانه صهیونیستهای اسرائیلی در مقابل مبارزات بر حق الفتح و یا انتفاضه نه تنها سرپوش گذارده بود ، بلکه با ریاکاری آنرا توجیه می کرد) . ولی در مورد جنگ جاری پاسخ منفی است (به زبان حککا یعنی یک پایه اصلی و آنهم بمثابه اصلی ترین علت که تجاوزات و جنایتکاری اخیر صهیونیستهای اسرائیلی را سبب گردید ، حزب الله و کلاً اسلام سیاسی بوده است) . اردوی اسلام سیاسی در منطقه از حزب الله و حماس و سوریه و جمهوری اسلامی تا نیروهای اسلامی شیعه در عراق همه خود طالب این جنگ بودند (ملاحظه می کنید این جریان منحرف با چه بی شرمی خاص بسبک و سیاق پوش ، بلر ، شارون و المرت ولی زیرکانه بر تمامی جنایات و تجاوزگری های انحصارات آمریکایی- اسرائیلی علیه فلسطین- لبنان- عراق و افغانستان سرپوش می گذارد . و علت اصلی این " رکورد تازه جنون و جنایت " را بگردن حماس ، حزب الله و سوریه و .. در یک کلام به پای همان " اسلام سیاسی" دست ساز آمریکایی که در پارگراف فوق آنرا جهت توجیه تجاوزگری می دانست ، می گذارد . امری که حتی نمایندگان درجه یک انحصارات غارتگرانه آمریکا از بیان آن به این روشنی ممانعت می ورزند) . جنگ بخاطر گروگان گرفتن سرباز های اسرائیلی شروع نشد اما این چاشنی و بهانه ای بود که حزب الله و حماس با کمال میل در اختیار اسرائیل قرار دادند (یعنی حماس و حزب الله با توان غیر قابل قیاس نیروی خود با چهارمین ارتش مجهز به سلاح های کشتار جمعی ، با دست خود نابودی خویش را فراهم کرده اند . جدا آیا مسخره تر از این می توان سخن گفت؟!) .
(پایان نقل قول- تمامی تأکیدات و توضیحات داخل پرانتز از بهمن ادیب می باشد)

شایان توجه است ، ارزیابی حککا از وقایع خاورمیانه در پاراگراف اول تحت عنوان " مطلوبیت جنگ برای اسلام سیاسی " ، قبل از تحلیل آنان از سیاست های آمریکا در جهان و خاورمیانه که در پاراگراف بعد آمده است ، می باشد . بطوری که در وحله اول این امر ناشی از تناقض گویی و کودنی این جریان به نظر می آید . ولی بنظرم چنین نیست که در شکل ظاهری نمایان می گردد ، بلکه این تناقض گویی و کودنی سیاسی را باید بسیار حسابگرانه و جانبدارانه مد نظر داشت . بدین ترتیب که ابتدا بدنبال سرهم کردن چند پاراگراف تبلیغاتی و ژورنالیستی اعتقاد نظری خویش را پیرامون جنگ خاورمیانه که گویا " جنگ بخاطر گروگان گرفتن سربازهای اسرائیلی شروع نشد اما این چاشنی و بهانه ای بود که حزب الله و حماس با کمال میل در اختیار اسرائیل قرار دادند " ، نتیجه گیری می کند اسرائیل برای بقای خودش وارد جنگ شد . در واقع در این بخش " لیدر " حککا با زیرکی خاص دولتمردان آمریکایی- اسرائیلی نظرات حککا را جهت ارائه بیلان کار حزب به " سیا " و " موساد " بیان می دارد . و سپس در بخش بعدی بمنظور عرق نگشتن در سیلاب تف و لعنت مخالفین تجاوز بربرمنشانه صهیونیستهای اسرائیلی- آمریکائی اما ریاکارانه از سیاست برخی نئو کنسرواتیوها که در مسند قدرت هستند که ؛ " به هر کشوری خواسته اند حمله کرده اند ، سازمان ملل را بازیچه دست خودشان کرده اند ، اروپا را پشت سر خود به خط کرده اند و مخالفین خودشان را در این هیاهوی مبارزه با تروریسم اسلامی خفه کرده اند و یا به تمکین واداشته اند . امروز ظاهراً نوبت این رسیده که مساله مردم فلسطین هم در این هیاهو پایمال شود و تحریف و لوٹ بشود و تبدیل بشود به جنگ بین دو کمپ شر و خیر در خاورمیانه . به این دلایل اسلام سیاسی ، بعنوان دشمن و بعنوان هدفی که باید با حمله به او تمام منطقه را تحت کنترل گرفت مورد نیاز آمریکا و اسرائیل است کنترل خاورمیانه به بهانه مبارزه با اسلام سیاسی، این هدف اسرائیل و آمریکا در جنگ جاری لبنان است " ، سخن میگوید .

این حامیان پر و پا قرص انحصارات آمریکائی- اسرائیلی عامدانه فراموش می کنند که در پارگراف قبل لشکر کشی ددمنشانه صهیونیستهای اسرائیلی به فلسطن و لبنان را نه ناشی از سیاست برخی از نوکنسرواتيوها که در مسند قدرت هستند ، بلکه ناشی از " چاشنی و بهانه ای که حزب الله و حماس با کمال میل در اختیار اسرائیل قرار داد " ارزیابی کرده بودند .

براستی ریشه فلسفه این همه همدلی و همزبانی " حزب کمونیست کارگری " با بوش ، بلر ، المرمت و رسانه های امپریالیستی-صهیونیستی که کوشش می کنند تجاوزات بربرمنشانه صهیونیستهای آمریکائی- اسرائیلی علیه مردم فلسطین و لبنان را " دفاع از خود " جا بزنند ، در کجاست ؟

در واقع دلارهای دریافتی شسته شده با خون هزاران فلسطینی- لبنانی- افغانی- عراقی این در یوزگان سی سی را به چنین فلاکتی کشانده است که نمی دانند چه باید بگویند . این جاست که سیاست بوقلمون صفتانه را برگزیده اند . چیزی می گویند که نه سیخ بسوزد و نه کباب . آسمان و ریسمان می بافند که نه عموجان بوش و بلر ، و نه خاخام شارون و المرمت را برنجاندند که مبادا مستمری شان قطع و پته قرار و مدار قبلی شان برملا گردد . چیزیکی می گویند تا مبادا تتمه " حثیت سیاسی " شان بیشتر از این رو گردد . غافل از اینکه ؛ خانه از پای بست ویران است و خواجه تقوائی اسرائیلی در کنجه ایوان است .

جناب پرفسور تقوائی این فرزانه درس آموخته از مکتب حکمتیسم در پایان جهت بدست آوردن دل صهیونیستهای اسرائیلی ، در حالی که باز عامدانه خود را به نفهمی می زند ، فراموش می کند که در پارگراف قبلی ؛ جنگ در خاورمیانه را نتیجه سیاست های غلط نوکنسرواتيوهای آمریکائی دانست که قصد دارند دنیا را با تجاوزگری به زیر فرمانروائی خویش در آورند لذا اسلام سیاسی را جهت توجیه این لشکر کشی ها آفریدند .

بدیگر سخن در پاراگراف قبلی از منظر این " لیدر " ؛ علت اصلی بر پائی تجاوزگری ، نه " اسلام سیاسی " دست ساز نوکنسرواتيوهای آمریکائی (معلول) ، بلکه خود نوکنسرواتيوهای آمریکائی (علت) بودند که بمنظور استقرار " نظم نوین " جهانی (بخوانید استقرار سلطه بلامنازع انحصارات غارتگر و جنایتکار امپریالیستی بر میلیاردها مردم جهان) ، " اسلام سیاسی " را جهت فریب افکار عمومی علم کرده اند .

بنابر همین منطق ناقص الخلقه باز ملاحظه می گردد که علت بر پائی جنگ و جنایت در جهان ؛ نوکنسرواتيوهای آمریکائی می باشند و نه حماس و حزب الله دست پخت آنان . پس طبق این " منطق " باید مردم جهان را علیه علت اصلی یعنی علیه دولت تجاوزگر و صهیونیستهای دست پرورده آن بسیج و سازمان دهی کرد ، و نه علیه اسلام سیاسی که خود معلول ، علت است . چراکه مبارزه با اسلام سیاسی چون دیگر مذاهب بمثابه روپنای اقتصادی سرمایه داری و یا هر نظام ستمگرانه و استثمارگری هر کشور مفروضی می تواند و می باید در کادر مبارزه طبقاتی هر تشکیلات انقلابی و بویژه مارکسیستی لنینیستی در راستای حل بنیادی تضاد بین کار و سرمایه بکار گرفته شود و نه به شیوه آنارشیستی که معلول را زیر ضرب قرار می دهد تا علت را فراری دهد .

" لیدر " حکما در همین مقاله چنین می گوید :

" برای اسلام سیاسی جنگ از یک زاویه استراتژیک تری هم مطلوبیت دارد . از همان زاویه ای که جنگ آمریکا در عراق و افغانستان برای نیروهای اسلامی یک برکت بود "

این در یوزگان شرم و حیا را قوت داده اند و یک پارچ آب هویج را هم بالاش سر کشیده اند . این حامیان صهیونیستی فراموش می کنند ؛ اگر لشکر کشی بربرمنشانه قوای امپریالیستهای آمریکائی و متحدانش برای نیروهای اسلامی یک " برکت " بود ، برای شما بسیار بالاتر از " برکت " ، که آنرا (لشکر کشی به افغانستان و عراق) یک امر " مثبت- مترقی- در خدمت توسعه و سعادت- و

صدور دمکراسی و تمدن " ارزیابی و صدها صفحه در مد صفات " درخشان " آن سیاه نمودید ، قلمداد گردید .

شما کلاشان سیاسی ، بعد از 5 سال تجاوزگری قوای اشغالگر هنوز هم حاضر نستید به خواسته بر حق صدها میلیون مردم جهان مبنی بر خروج بی قید و شرط قوای اشغالگر از افغانستان و عراق ، گوش فرا دهید و پست فطرتانه از اشغالگران خواستارید تا زمانی که دخل آدمخواران اسلامی را درنیاورده اند آنجا را ترک نکنند . حالا طلبکار هم گشته اید و بسبب اشغالگران جهت لاپوشانی همدلی تان با امپریالیستها و صهیونیستها در اشغال افغانستان و عراق ، نیروهای اسلامی را سپر بلا قرار می دهید . همانگونه که امپریالیستهای آمریکائی- اسرائیلی جهت تجاوزگری به هر نقطه از جهان ، "اسلام سیاسی" ساخته و پرداخته خود را سپر بلا قرار داده اند .

در واقع شما گوی سبقت را از سلطنت طلبان این مزدوران آشکار امپریالیسم آمریکا ریوده اید . همان انقلاب سوسیالیستی که قرار بود چند سال پیش در ایران توسط حککا که رهبرتان وعده داده بود پیشکش تان ، دست از خرابکاری بردارید ! بگذارید مردم فلسطین و لبنان همراه با آزادیخواهان و صلح دوستان جهان پاسخ دندان شکنی به جنایات بی پایان صهیونیستهای آمریکائی- اسرائیلی دهند ! جنبش انقلابی صلح دوست و بشر دوستانه جهان را از شما (حککا) خیر نیست شر مرسان !

مطمئن باشید نیروهای انقلابی و بویژه نیروهای مارکسیستی لنینیستی در راستای مبارزه قاطع و راستین علیه رژیم سرمایه داری اسلامی ایران که آنرا جدا از مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم نمی دانند ، حککا و دیگر مزدوران آشکار و نهان آنرا بمتابه ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم تا طرد کامل افشاء و رسوا خواهند نمود .

بهمن ادیب 2006 / 08 / 13